



گرب کمونیست کارگری - حکمتیست

سر دبیر خالد حاج ممدی

۱۹ اسفند ۱۳۹۰

۹ مارس ۲۰۱۲

خالد حاج محمدی

افزایش مزدی در کار نیست!

تعیین حداقل دستمزد در سال ۹۱ از مدتی پیش در میان نمایندگان کارفرمایان و دولت و شوراهای اسلامی کار مورد بحث است. طبق روال همیشه کل کمپ سرمایه به کار افتاده اند تا با "استدلالات" مختلف تاکید کنند که افزایش مزدی در کار نیست. کارگر باید منت ببرد که حداقل دستمزد فکسنی ۳۳۰ هزار تومان سال قبل را هم نگهدارد. این تقریباً پیام همه ارگانه‌های رسمی جمهوری اسلامی است که بسیار وقیحانه و بی ابهام و حتی بدون ظاهر فریبنده و کارگر پناهی قبلی بیان میکنند. حول تعیین دستمزد سال ۹۱ انواع کمیته مزد و عناصر مختلف شوراهای اسلامی به عنوان نماینده خود گمارده کارگران، محقق و ... دست به قلم برده اند و همگی بلااستثنا با هر غرولندی که میکنند، در تلاشند نازلترین دستمزد ممکن را به طبقه کارگر تحمیل کنند.

"سید حمزه درواری" نماینده کارفرمایان در شورای عالی کار با وقاحت تمام جلودار این صف است و اعلام کرده است که "کارفرمایان توان پرداخت افزایش یک درصدی دستمزد را هم ندارند". توجیه جناب درواری به عنوان نماینده سرمایه داران، "نوسانات قیمت ارز، مشکلات تحریم، عدم پرداخت پیرانه از

صفحه ۲

ثریا شهبازی

قنوس اصلاحات، در بن بست!



حکومت را تماماً نسبت به خیرات این سید، بار دیگر آشفته و مایوس کرد. با مردم است و به زودی حرف هایی را با خاتمی، با خط و نشان کشیدن در مورد شرط و شروط شرکت در این انتخابات طرفدارانش در جنبش سبز و طیف توده - اکثریت و جنبش شان در انواع کمپین های مطالبه محور و ... را مدتی مشغول نگاه داشته بود. او سرانجام با شرکتش در انتخابات مجلس نهم، احساسات آنها را بنحو رقت باری جریحه دارد کرد.

جناب خاتمی در مقابل حیرت شاگردانش، با انداختن بادی در غیغب عارفانه فرمودند که: "دلنگران آبروی خودش نیست، دلواپس یاران در بند، حصرها، اصلاحات، و ... است" و وعده فرموده اند

صفحه ۲

امان کفا



خط فقر خط قرمزی در مقابل توحش سرمایه

عضو کمیته مزد تهران، فرامرز توفیقی، سید هزینه خانوار را ۹۲۰ هزار تومان (البته با محاسبه سهمیه پیرانه ها) ، اعلام می کند. و علی اکبر عیضوی، مسئول کمیته مزد استان تهران، خبر از خط فقر ۵۷۵ هزار و ۴۰۰ تومان می دهد. و به این ترتیب معلوم نیست که اعلام هزینه چه ربطی به خط فقر دارد. کارگری که دستمزد ۶۰۰ هزار تومانی دارد، و با محاسبات خود مقامات مربوطه در مورد اندازه سبد هزینه یک خانوار قادر به پرداخت هزینه زندگی خانوار خود نیست، لابد باید از درگاه ایزد متعال و این جنابان شکر گزار باشد که لااقل در تقسیم بندی آنها مفتخر است که فقیر

صفحه ۲

حزب حکمتیست

انتهای این انحطاط کجا است؟

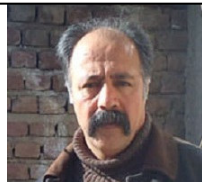
واقعی نبود. ما جواب به نوشته هایی که بیمارگونه به لجن پراکنی و شیطان سازی دست میزنند را دور از شان حزب حکمتیست میدانیم. اما نشان دادن عمق سقوط و انحطاط این جمع و مقابله با آن را وظیفه خود میدانیم. اطلاعیه های اخیر این جمع نشان میدهد که تمام ادعاهای آنان مبنی بر، اختلاف سیاسی، پوچ است. نشان داد نقطه اشتراک و اتحاد این جمع نه سیاست که مسائل حقیر غیر سیاسی است که به کینه و بغض شخصی علیه رفقای دیروزشان و در راس آن کورش مدرسی منجر شده

صفحه ۴

نامه سرگشاده شیث امانی

به رئیس شورای عالی کار

به نقل از: اتحادیه آزاد کارگران ایران



هر سال براساس ماده ۴۱ قانون کار به شکل سه جانبه گرابی که تمامی نمایندگان کارگران منتخب و منتصب دولت هستند تشکیل میشود و تعیین چنین حداقل های مزد توسط آن نمایندگان محکوم است و سزاوار و شایسته کارگران و خانواده های کارگری کشور نبوده و نیست و تعیین حداقل دستمزدها میبایست توسط نمایندگان واقعی کارگران که در مراکز کارگری با شرکت در مجامع عمومی و با رای مستقیم کارگران از طریق کاندیداتوری بدون دخالت دولت به عنوان

صفحه ۴

نامه سرگشاده شیث امانی از زندان مرکزی سندانج در باره حداقل دستمزدها ریاست محترم شورای عالی کار جمهوری اسلامی ایران با سلام

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

قنفوس اصلاحات...

رای دادن سید اصلاحات، این قنفوس پروبال سوخته دریای اصلاحات، تا اینجا طیفی از طفیلی های اپوزیسیون که بر آن دخیل بسته بودند را با خود سوزاند و تا اطلاع ثانوی و عروج ناجی دیگری، مرخص کرد. جریان اصلاح طلبان و سبز، با شرکت خاتمی در انتخابات مجلس نهم، باز موقتا به کنج غزلت خزید. بخشی با انتقاد از "اخیانت" سید اصلاحات، مشغول مرهم گذاشتن و لیسیدن زخم هایی شدند که از دوست بر پیکرشان نشسته! و بخش دیگر آن با دمیدن در آتش خاموش "جنبش گله و شکایت از تقلب" در انتخابات های جمهوری اسلامی، خود را فعال نگاه داشته است. این بخش با عرضه "بسته گلایه از تقلب در انتخابات" به بازار، البته در بسته بندی شیک و محکمه پسند "کمپین های حقوق بشری"، مشغول شده است. گره زدن سرمایه زندگی سیاسی به سرنوشت بهم آمدن و یا تعمیق شکاف

رای دادن سید اصلاحات، این قنفوس پروبال سوخته دریای اصلاحات، تا اینجا طیفی از طفیلی های اپوزیسیون که بر آن دخیل بسته بودند را با خود سوزاند و تا اطلاع ثانوی و عروج ناجی دیگری، مرخص کرد. جریان اصلاح طلبان و سبز، با شرکت خاتمی در انتخابات مجلس نهم، باز موقتا به کنج غزلت خزید. بخشی با انتقاد از "اخیانت" سید اصلاحات، مشغول مرهم گذاشتن و لیسیدن زخم هایی شدند که از دوست بر پیکرشان نشسته! و بخش دیگر آن با دمیدن در آتش خاموش "جنبش گله و شکایت از تقلب" در انتخابات های جمهوری اسلامی، خود را فعال نگاه داشته است. این بخش با عرضه "بسته گلایه از تقلب در انتخابات" به بازار، البته در بسته بندی شیک و محکمه پسند "کمپین های حقوق بشری"، مشغول شده است. گره زدن سرمایه زندگی سیاسی به سرنوشت بهم آمدن و یا تعمیق شکاف

خط فقر خط قرمزی در...

برای کل سرمایه به خطر می اندازد. از جمله جلوگیری از این خطر، وظیفه ای است که دول سرمایه بهمه داشته و دارند. دخالت تمامی دول و انستیتوهای محلی، ملی و بین المللی سرمایه در تعیین این خط، نه از سر دلسوزی شان برای کارگر، نه از سر سیاست های

معین کنند که چه اندازه برای زنده ماندن یک خانوار لازم است. تا پس از این "تحقیقات"، میزان پرداختی و دستمزد را باز هم کاهش دهند. و امروز نهاد های بین المللی به این نتیجه رسیده اند که در این دنیای سرشار از رفاه و امکانات، دستمزدی حدود ۲ دلار (در روز) برای یک خانوار کافی است. و نام آنرا خط فقر گذاشته اند. البته صراحتاً تصحیح می کند که در این محاسبه به جز خوراک، اقلام دیگر نظیر مسکن را هم در نظر گرفته اند. و این دستمزد بایستی کافی باشد!

"پوپولیستی" احمدی نژاد و با افراط گرایی سبز و سیاه و یا "جناح های معتدل و اصول گرا"، نه بازی و نقش های قلابی که بازی میکنند و ... ، بلکه تماماً جزئی از سیاست تاریخی است که هدف آن تاملین و تضمین دسترسی سرمایه به کار در بلند مدت و فراهم کردن امکان دراز مدت تر تولید ارزش اضافه است. به همین دلیل است که تعیین خط فقر را در دستورشان

کل تولیدات و نعمات زندگی و ثروت جامعه که کارگر خالق آن است، را متعلق به طبقه انگل و مفتخور سرمایه میدانند! و بر همین اساس در منظرشان دسترسی به رفاه و این نعمات را به کارگر، زیرکانه و با تردستی خاصی نامربوط اعلام میکنند. سید خانوار کارگر و میزان آن را نیز بر همین اساس تعیین میکنند و نام آن را "معیار" تعیین دستمزد، میگذارند.

دامن زدن به جنبش کمیته های کمونیستی، با حضور کارگران پیشرو و کمونیست، مستقل از تعلقات صنفی هر کدام، بر اساس حضور در یک جغرافیای معین، همین امروز ممکن است. این جنبش علاوه بر پرداختن به مسئله تعیین خط فقر و حداقل دستمزد، مسلماً بیشترین امکان را برای بوجود آوردن تشکل های کارگری مؤثر فراهم می کند.

چپ سنتی و غیر کارگری، دخالت هیئت حاکمه و دولت جمهوری اسلامی را در تعیین خط فقر، غیر واقعی و "مسخره" تصور می کند و این چنین می پندارد که دخالت دولت دروغین و تظاهر است. برخلاف این تصور، تعیین خط فقر برای هیئت حاکمه نظام های سرمایه داری حیاتی است. این مرزی است که دوراندیشان سرمایه در مقابل میل به استثمار بی حد و حصر خود میگذارند. خط قرمزی است که در مقابل توحش سرمایه میکشند، تا در بلند مدت دسترسی شان به نیروی کار همچنان تضمین شود.

فعالیت کارگران کمونیست در این عرصه، کلیدی است که توسط آن، می توان تعیین واقعی حداقل دستمزد بر اساس نیازهای خانوار کارگری را با حضور نمایندگان کارگری ممکن ساخت.

بر خلاف تمامی طبقات و اقشار دیگر در این جامعه، این تنها طبقه کارگر است که منفعتی از اختصاص پول و امکانات به این نهادها و ارگانها و سوخت و سازهای مخرب، ندارد و نفعی از آنها نمی برد. به همین اعتبار،

مرگ بر جمهوری اسلامی!

افزایش مزدی در کار ...

سوی دولت به واحدهای تولیدی و قفل شدن تسهیلات بانکی، ذکر شده است. جناب درواری انگار بی خبر است که فشار تحریم و نوسانات ارز و گرانی هر روزه دمار از روزگار طبقه کارگر در آورده است. انگار در جریان نیست که ۳۳۰ هزار تومان کدانی به عنوان دستمزد کارگر و به عنوان مزد پایه جهت تامین به قول خودشان خانواده ۴ نفره، حتی تامین کرایه سرپناه را هم نخواهد کرد.

در کنار اعلام موضع قاطع نماینده کارفرمایان، تعدادی "محقق" به میدان آورده اند تا به عنوان "دلسوز" کارگر، نتیجه "کار تحقیقاتی" و "علمی" خود در خصوص نیاز خانواده کارگری را به اطلاع برسانند. علی اکبر عیوضی مسئول کمیته مزد استان تهران در گفتگو با خبرنگار ایلنا یاد آور شد است که: نرخ سبد هزینه خانوار کارگری با در نظر گرفتن ۲۰۰۰ کالری برای افراد بزرگسال و ۱۸۰۰ کالری برای کودکان و همچنین حذف کالاهای پارانهای از قبیل آب، برق، گاز و نان برای سال آینده، ۷۹۵ هزار و ۵۹۵ تومان تعیین شده است. و در این محاسبات نورکان سرمایه، تفریح، شادی، تعطیلات، مسافرت، سینما، تئاتر، رستوران، کتاب، کامپیوتر، مدرسه، ماشین و... دهها نیاز ابتدایی دیگر لوکس به حساب می آیند و در ردیف نیازهای کارگر در قرن ۲۱ نیست.

محمد احمدی به عنوان نماینده "کارگران" در شورای عالی کار اعلام کرده است که "شرکای اجتماعی کارگران (نمایندگان کارفرما و دولت)، اعتقادی به افزایش دستمزد بر مبنای تورم ندارند". انگار عدم اعتقاد آقایان بورژوا جواب نیاز خانواده کارگری برای هزینه های کرایه خانه و غذا و پول فیشهای آب و برق خواهد شد. انگار نیاز کودکان طبقه کارگر به مدرسه و کتاب و تفریح و... با اعتقاد یا عدم اعتقاد دولت و کارفرما جواب میگیرد. این در شرایطی صورت میگیرد که همه غرولندهای شوراهای اسلامی و خانه کارگر و... حول حداقل دستمزد سال ۹۱ تفاوت زیادی با آنچه نماینده سرمایه داران میگویند ندارد. طبق گفته خود این آقایان میزان دستمزد سال ۹۱ چیزی حدود ۴۰۰ هزار تومان خواهد بود، تازه اگر کارفرمایان و دولت به ۲۸ درصد افزایش درخواستی نمایندگان شوراهای اسلامی کار که به عنوان "نماینده کارگران" در شورای عالی کار تشریف دارند، تن بدهند. در همین صف علی دهقان کیا، عضو

هیئت مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار استان تهران، میگوید: "درخواست های واقعی کارگران باید بیش از ۶۰۰ هزار تومان حداقل دستمزد باشد اما در این حالت بنگاه ها توان پرداخت را ندارند، بنابراین شاهد ریزش نیروی کار و تضعیف واحدهای مختلف تولیدی کشور خواهیم بود." این آقای محترم هم در حقیقت چیزی بیشتر از صحبت های نماینده کارفرمایان را ندارد. اگر افزایش دستمزد صورت بگیرد، بنگاه ها تولیدی دچار مشکل میشوند و کارگران اخراج و بیکار میشوند، در نتیجه باید دهان خود را بست و "افزایش دستمزد بی افزایش دستمزد!" علی دهقان کیا نیز عملاً ترس از اخراج و بیکاری را در مقابل کارگران گذاشته است تا کسی دست از پا خطا نکند و مسئله مزد کارگر حتی بر مبنای قوانین رسمی جمهوری اسلامی که میزان حداقل دستمزد باید متناسب با میزان تورم اعلام شده از جانب بانک مرکزی باشد، نیز به روال همیشه کنار گذاشته میشود.

کل این داستان و بحث بر سر تعیین دستمزد و جلسات و "تحقیقات" و بحث سه جانبه نگری مسخره ای که راه انداخته اند، در حقیقت چیزی جز نشست نمایندگان کارفرمایان و دولت آنها نیست. تمام تلاش در جهت تحمیل نازلترین سطح دستمزد ممکن به طبقه کارگر است. کارفرما و دولت و شوراهای اسلامی کار دست در دست هم در تلاشند این مضحکه را به عنوان سه جانبه نگری به شیوه ای قابل قبول و قابل تحمیل به بازار عرضه کنند و کارگر را در شرایطی قرار دهند که خاموش بماند. تمام تلاش هر ساله برای تعیین دستمزد در حقیقت تکرار این برنامه بدون کوچکترین دخالت طبقه کارگر و در غیاب نمایندگان این طبقه است. پروسه تعیین تکلیف حداقل دستمزد کارگران از جانب دولت و ارگانهای آن، تلاش برای مشروعیت دادن به بردگی و بی حقوقی کارگر است. در این پروسه طبقه کارگر حق هیچ دخالتی ندارد.

یکی از ارکان این بی حقوقی جدا از توجیهات نمایندگان دولت و کارفرما و شوراهای اسلامی جهت ادامه بی حقوقی مطلق طبقه کارگر، وجود چندین میلیون کارگر بیکار در ایران است. که اکنون در کمال وقاحت نه تنها مسئولیتی در قبال آن به عهده نمیگیرند، بلکه وجود میلیونها کارگر بیکار به عنوان پتکی بالای سر کارگر نگاه داشته شده است تا به موقعیت کنونی خود راضی باشد و دست از پا خطا نکند.

در کنار ادعاهای دولت و ارگانهای

مختلف آن، محمد عطا ریدان نماینده کارفرمایان در شورای عالی اشتغال میگوید "در پی تداوم رکود در واحدهای تولیدی نرخ بیکاری به بیش از ۳۱ درصد در پایان سال افزایش یافته است". او میگوید: "بیش از ۵۰ درصد نیروی کار فعال کشور در شرایط بیکاری قرار دارند." لذا معلوم است در چنین شرایطی دست کارفرمایان در هر میزان تعرض به سطح معیشت طبقه کارگر باز است. وسعت بیکاری موقعیت وخیمی به کل طبقه کارگر تحمیل کرده است و کل این طبقه را در مقابل سرمایه داران در موقعیت بسیار ضعیفی قرار داده است.

مساله اصلی در تعیین حداقل دستمزد بر این واقعیت استوار است که کل جامعه حول نقش و کار طبقه کارگر میچرخد. معلوم است که حداقلی و سقفی از دستمزد را باید برای کارگر در نظر گرفت که امکان بازتولید نیرو و توان خود را جهت چرخاندن تولید و تامین نیازهای کل جامعه را ممکن کند. جدل بر سر این حداقل و بحث خط فقر و اختلافات میان ارگانهای مختلف بر سر میزان نیاز کارگر به امکانات برای زنده ماندن، جواب به همین نیاز جامعه سرمایه داری است. در این میان هیچ جناح و جریانی امرش نیاز کارگر و دلسوزی برای این طبقه نیست. دولت و قانون کار، شورای اسلامی، خانه کارگر، وزارت کار، سیستم بانکی، وزارتخانه ها و زندان و... همگی در خدمت مالکیت سرمایه بر همه چیز حتی بر جسم و جان و حق نفس کشیدن طبقه کار کن جامعه استوار است. اما تامین این نیاز سرمایه در گرو کارگر خاموش و بی توقع است. لذا دفاع از دستگاه مذهب، تا قوانین بردگی حاکم، رسانه ها و تبلیغات دائمی، سانسور و اختناق سیاسی، منع تشکل کارگری، زندان و اخراج فعالین و نمایندگان این طبقه، اشاعه نفاق ملی و مذهبی، ایجاد اختلاف میان کارگر شاغل و بیکار، ایرانی و افغانی، کارگر زن و مرد، همگی در خدمت خاموش نگهداری طبقه کارگر عظیم و قدرتمندی است که منافعی علیه همه این بساط است.

و امروز جدا از اعمال و اقدامات همیشگی بورژوازی ایران برای خاموش نگهداری طبقه کارگر، محاصره اقتصادی هم به عنوان حربه ای علیه آن در دست گرفته شده است. علاوه بر اینکه به بهانه محاصره اقتصادی همه سرمایه داران کالای خود را چند برابر به فروش میرسانند و عملاً زندگی طبقه کارگر و کل محرومان جامعه را به قهقرا کشانده اند، به بهانه تحریم و عدم توان مراکز تولیدی، دستمزد ناچیز کارگر را هم

میزنند و سطح توقع کل طبقه کارگر را پائین می آورند.

کستای نماینده کارفرمایان و اعلام اینکه دستمزدها بالا نمیرود و سخنان مزدبگیران شوراهای اسلامی کار مبنی بر اینکه دولت و کارفرمایان عقیده ای به افزایش دستمزد ندارند، متکی به موقعیتی است که در این فضا به کل طبقه کارگر تحمیل کرده اند. از بیکاری وسیع تا کار قرار دادی و خطر اخراج که همگی حربه ای است نه تنها علیه بخش شاغل طبقه کارگر بلکه علیه کل طبقه.

مسلم است که تعیین میزان واقعی دستمزد به موقعیت طبقه کارگر بستگی دارد. اما این موقعیت نه ابدی است و نه قابل دوام. اعتراض روزانه کارگر و کشمکش همیشگی این طبقه برای بهبودی در زندگی خود، بخشی مهم از واقعیتی است که در میزان دستمزد و سهم کل طبقه کارگر از ثروتی که تولید میکند، تاثیر دارد. و امروز و با باز شدن بحث دستمزدها و تعیین میزان آن، برای طبقه کارگر ایران نیز فرجه ای بوجود آمده است که مطالبات سراسری خود و در راس آن، افزایش دستمزد و بیمه بیکاری و حق تشکل را مطرح کند. در این خصوص هنوز منشور مطالباتی که تشکل های موجود کارگری دو سال پیش بلند کردند، میتواند به عنوان پرچم مطالباتی کل طبقه کارگر در دست گرفته شود و کارگران حول آن متحد شوند. زمانی که کل نمایندگان سرمایه و دولت و مختلف و... جمع میشوند و بر سر دستمزد طبقه کارگر و درجه استثمار و بردگی این طبقه یکجانبه و بدون دخالت رهبران و فعالین و نمایندگان واقعی این طبقه تصمیم میگیرند، جا دارد کارگران نیز در مراکز مختلف کار و در محلات کارگری، شاغل و بیکار جمع شوند و بر سر میزان مزد خود و فروش نیروی کار خود تصمیم بگیرند. مسلم است که در غیاب تحرک مستقلانه طبقه کارگر، نمایندگان سرمایه شرایط مطلوب خود را به ما تحمیل میکند. کشمکش بر سر دستمزدها فرصتی است که کارگران میتوانند در مقابل تعرض سرمایه سنگری ببندند و جبهه متحد کارگری خود را ایجاد کنند و از زندگی و معیشت و حق حیات خود دفاع کنند. تا جایی که به طبقه ما برگردد، بطور واقعی هنوز جدال و زروآزمایی واقعی ما شروع نشده است.

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

انتهای این انحطاط ...

هیچ تغییر ریلی، هیچ راه جدا کردنی، هیچ تغییر سیاستی به این اقتضای نیاز نداشت. در دنیای سیاست آدمها راه عوض میکنند، تغییر جهت میدهند و انتخابی دیگر را در پیش پای خود میگذارند و راه خود را میروند. اینها همگی معقول و قابل درک و سیاسی است. اما حزب نفرت درست کردن فعالیت سیاسی نیست، شروع کار سیاسی جدیدی نیست، راه عوض کردن و انتخاب سیاسی دیگری نیست. این ادعا بیش از اندازه برای جمعی که پرچم پشیمانی و احساس فریب را بلند کرده اند، جدی است. این لباس بیش از اندازه به قیافه حقیری که به خود گرفته اند، تنگ است. اتحاد این جمع و مسیری که تا کنون رسماً اعلام کرده اند، سیاسی نیست، جدی نیست، و تلاش برای ساختن جمعی سیاسی نیست.

حزب ساختن، سیاسی بودن و جدال سیاسی کردن، نیازی به نفرت از دیگران ندارد، نیازی به راه انداختن کربلای حسینی علیه رفقای دیروز و چهره حسین "شهید و مظلوم" از خود ساختن ندارد، و احتیاجی به جعل و

هیچ تغییر ریلی، هیچ راه جدا کردنی، هیچ تغییر سیاستی به این اقتضای نیاز نداشت. در دنیای سیاست آدمها راه عوض میکنند، تغییر جهت میدهند و انتخابی دیگر را در پیش پای خود میگذارند و راه خود را میروند. اینها همگی معقول و قابل درک و سیاسی است. اما حزب نفرت درست کردن فعالیت سیاسی نیست، شروع کار سیاسی جدیدی نیست، راه عوض کردن و انتخاب سیاسی دیگری نیست. این ادعا بیش از اندازه برای جمعی که پرچم پشیمانی و احساس فریب را بلند کرده اند، جدی است. این لباس بیش از اندازه به قیافه حقیری که به خود گرفته اند، تنگ است. اتحاد این جمع و مسیری که تا کنون رسماً اعلام کرده اند، سیاسی نیست، جدی نیست، و تلاش برای ساختن جمعی سیاسی نیست.

رفقای حزب حکمتیست!

این جمع مجازند تا هر درجه که میخواهند از نظر سیاسی و اخلاقی تا قهقرای انحطاط سقوط کنند. این انتخاب آزادانه این جمع است. سوال این است که آیا هنوز امیدی به نجات این جمع

نامه سرگشاده شیث امانی....

جامعه نداریم و هر ساله اقداماتی جهت هر چه بیشتر استثمار کارگران فراهم میشود. دیگر صبر ما از این همه تبعیض و نابرابری و بردگی به سر آمده و جهت تعیین سرنوشت خودمان در پیمانهای دسته جمعی، متشکل و اعتراضات میلیونی خود را شروع و جهت حفظ و کرامت و حرمت انسانی خود و خانواده هایمان به اقدامات منطقی که در قوانین پیش بینی شده است دست خواهیم زد و این حق مسلم ما تمامی کارگران است. شیث امانی - زندان مرکزی سنندج

دولت به جای آنکه با رویکرد منطقی و با تغییراتی در استراتژی اقتصادی موجب حفظ تولید و نیروی کار و مانع اخراج سازبها شود، هیچ تلاشی ننموده است و با هجمه به قانون کار بنام اصلاحیه قانون کار تمديدات و مخفی کاریهای که انجام داده است، زمینه های لازم را برای نئولیبرالیزه کردن قانون کار را فراهم نموده و در ماده ۴۱ قانون کار، شرایط اقتصادی نامناسب را اضافه نموده اند تا به استناد به آن مانع دیگری بر سر راه افزایش دستمزدها بوجود آورده باشند، هر چند در گذشته هم اعمال شده بود و در چنین شرایطی که کارگران با تورم بالای ۶۵٪ و تحریم های شدید اقتصادی و با آزادسازی قیمت های پیش رو، در حال

سیاست ما این است: از همان روز اولی که در آن مملکت دستمان بجای بند شود، اعلام میکنیم که زن و مرد برابرند، همه

قوانین تبعیض آمیز فعلی را لغو اعلام میکنیم، اعلام میکنیم که محوق مدنی زن و مرد یکی است، اعلام میکنیم محوق سیاسی

زن و مرد یکی است، اعلام میکنیم محوق فرهنگی زن و مرد یکی است، اعلام میکنیم افتخارشان

بر فودشان، بر خانواده شان، بر ممیبا زندگیشان، بر ممیبا کارشان عین همدیگر است و اعلام

میکنیم در عرصه شغلی و کاری و غیره زن و مرد محوق کاملاً برابری دارند. این را اعلام میکنیم و

از آنجا که بشکل قانون درمیآید، و فوراً این کار را میکنیم و نه در یک روند تدریجی که حالا

قوانین را یکی پس از دیگری پکش کاری کنیم. بعنوان یک بیانیه پیروزی انقلاب ما این را اعلام

میکنیم و از فردای آن روز اینها قانون است.

منصور حکمت



نشریه حزب کمونیست
کارگری حکمتیست
سرمدیر: خالد حاج محمدی
www.hekmatist.com

کمونیست را بخوانید
کمونیست را بدست کارگران
برسانید
کمونیست را تکثیر و توزیع کنید

زنده باد سوسیالیسم